

ماهنامه

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

فرخنده باد جشن اول ماه مه جشن همبستگی زحمتکشان جهان!

نائل گردیدند. در بیکار همبستگی با مردم قهرمان هند و چین و برای خاتمه دادن به جنگ تجاوز کارانه امپریالیسم آمریکا قشر های وسیع زحمتکشان شرکت جستند.

در ایران نیز علی رغم سلطه سازمان امنیت و سیاست ضد دمکراتیک و خفقان آور دولت توده های مردم برای تحقق خواسته های اقتصادی و اجتماعی مبارزه بر خاستند و در مواردی نیز دولت را بعقب نشینی و پذیرش خواسته های خوش وادار کردند.

برگزاری جشن اول ماه مه که تا قبل از کودتای ۲۸ مرداد رسمیت قانونی داشت پس از کودتا از طرف هیئت حاکمه خود سرانه مغی گردیده ولی کارگران جشن خود دنباله در صفحه ۴

مردم، دامنه وسیعی کسب کرده و مبارزه طبقاتی بمقیاس بین المللی علیه امپریالیسم و استعمار کهنه و نو شدت پذیرفته است. طی سالی که گذشت در سراسر جهان سرمایه داری برای بهبود سطح زندگی، برای برداشتن سلطه انحصارهای امپریالیستی و انجام تحولات اجتماعی بنیادی، توده های زحمتکش به نبرد های سر سخت و اعتصابات و نمایش های عظیم دست زدند و بسود نیروهای دمکراسی و ترقی به کامیابیهای چشمگیری

زحمتکشان جهان اول ماه مه را در شرایطی پر گزار میکنند که تشکل و بیکارجویی طبقاتی آنان بیش از همیشه اعتلا یافته و مبارزات مطالباتی آنان برای نیل به رفاه و ترقی اجتماعی، در راه حاکمیت و استقلال ملی، در راه دفاع از صلح و برای بکار بستن دست آوردهای علم و تکنیک بسود

بمناسبت نوروز و سال نو

بار دیگر مهین یادگار مهین ما نوروز هم آغوش با بهار دل افروز فرا رسیده اند طبیعت پیر جوانی از سر گرفته و خوان رنگین خود را در برابر ما گسترده است. اگر همه مردم ما دور از ترس و بیم در سایه صلح و صفائی پایدار، آزاد از قید و بند استعمار و استعمار و استبداد با کوشش و جهد همگانی از این همه مواهب که در دل خاک گرامی وطن ما نهفته است بهره میبرند، شکنج رنج از چهره زندگانی ما رخت بر می بست و بساط نشاط در هر کوی و برزن بر پا میشد و برآستی جشن نوروز برای پیرو برنا جانبخش و فرح انگیز میبود. اما آنچه در کشور ما میگذرد نه چنین است. گروهی دسترنج دیگران را ربوده کیسه ها را لبریز کرده و از سر تا پا غرق در سیم و زرند و انبوهی غارت زده، بنوا و نیاز مند نان شیند. معدودی بر مرکب مراد سوار میزنند، می چایند، می زنند و می بندند و خلقی یابمال زور و جور و ستمند. جشن نوروز برای آنان دوران نمودن شکوه و جلال و برای اینان مایه رنج و ملال است.

ستمگران برای تفرج نوروزی به قصور خود در کشورهای اروپا میروند و ستمکشان در کنج زندانها، در کارخانه ها و کارگاه ها، در دشت ها و بیابانها برنج اندرند. در گردش عید دوگانگی آشتی ناپذیر بین ثروتمند و فقیر از هر وقت دیگر چشم گیر تر و بهمین دلیل آتش خشم و غضب توده ها علیه آنان که آبادی خود را در ویرانی اینان یافته اند تندتر و تیزتر است. این همان آتش مقدسی است که در شعله های خود بسیاری از جهانخواران را در بخش بزرگی از جهان سوخته و خاکسترشان را بر باد داده است. در این آتش رژیم های تزاری، هیتلری و امثال آنها نابود شده اند و هم اکنون در شبه جزیره هند و چین بزرگترین و نیرومند دنباله در صفحه ۵

اعلامیه

هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران

در باره نفت

مبارزه کشورهای تولید کننده نفت عضو اوپک علیه کارتل بین المللی نفت بمنظور تعدیل نابرابریهای موجود و افزایش قیمتها و مالیات بر درآمد که در ماههای اخیر وارد مرحله نوینی شده بود سرانجام بموفقیت رسید. انحصارهای غارتگر امپریالیستی پس از انتشار قطعنامه های بیست و یکمین کنفرانس اوپک (که از ۱۸ تا ۲۱ آذر ماه سال جاری در شهر کاراکاس تشکیل بود) و بویژه پس از انتشار قطعنامه شماره ۱۲۰ این سازمان، به اتکاء حمایت دولتهای امپریالیستی و در رأس آنها دولت امریکا تلاش تحریک آمیزی برای عقیم گذاشتن اقدامات اوپک بعمل آوردند و با مقاومت خشونت آمیز خویش در برابر دنباله در صفحه ۵

نهمین گام پنجاهساله

در ماه فوریه سال ۱۹۷۱ طرح نهمین برنامه پنجاهساله اقتصادی اتحاد شوروی برای بررسی و اظهار نظر زحمتکشان منتشر گردید. این طرح که باید به تصویب بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی برسد، هدفها و وظایف و خطوط اساسی و شاخص های عمده رشد اقتصادی کشور را برای سالهای ۱۹۷۵ - ۱۹۷۱ منعکس میسازد. اقتصاد مبتنی بر برنامه اتحاد شوروی تا کنون بموفقیت های عظیم نائل آمده است. کافی است گفته شود که میزان درآمد ملی اتحاد شوروی در سال ۱۹۷۰ - سال پایه برنامه پنجاهساله آتی - ۵۰ برابر درآمد ملی این کشور در سال ۱۹۱۳ بود. در همین مدت تولید صنعتی اتحاد شوروی بیش از ۹۰ بار افزایش یافته بود. چنین رشد سریع و پایدار دنباله در صفحه ۴

پنجاهمین سالگرد قرارداد سال ۱۹۲۱ ایران و شوروی

روز ۷ اسفند (۲۶ فوریه ۱۹۷۱) مردم ایران و محافل اجتماعی اتحاد شوروی پنجاهمین سالروز انعقاد قرارداد سال ۱۹۲۱ ایران و شوروی را برگزار کردند. این قرارداد که برای مردم ایران بمفهوم واقعی کلمه اهمیت تاریخی عظیم داشت و داردنخستین قرارداد دادی بود که در تاریخ جدید و معاصر ایران میان کشور ما و یک کشور بزرگ و نیرومند انعقاد یافت. با عقد این قرارداد دوران جدیدی در مناسبات میان ایران و همسایه بزرگ شمالی آن آغاز گردید. اصول سیاست لنینی همزیستی مسالمت آمیز کشور های پیرو رژیم های اجتماعی گوناگون

علیه هجوم آدمکشان امپریالیست به لائوس

پس از ویتنام و کامبوج اینک امپریالیسم خون آشام امریکا هجوم وحشیانه خود را متوجه کشور بیطرف لائوس نموده است. علیرغم انکارهای مکرر دولت امریکا مبنی بر اینکه مداخله نظامی در لائوس از جانب او انجام نشده، بلکه گویا دولت دست نشانده ویتنام جنوبی بچنین امری مبادرت ورزیده است، معدک بر هیچکس پوشیده نیست که

روش انقلابی: یعنی انتخاب شعار صحیح مبارزه در لحظه لازم

بار دیگر کارزار وسیعی علیه حزب توده ایران از همه جانب چه از جناح افراطی راست، از جانب دستگاه ارتجاعی حاکمه و سازمان سیاه امنیت آن و چه از جناح افراطی چپ در گرفته است. رژیم کنونی ایران و سازمان امنیت آن که در وجود حزب توده ایران پیش آهنگ مبارزه در راه آزادی و دموکراسی و استقلال

## روش انقلابی: یعنی انتخاب شعار صحیح مبارزه در لحظه لازم

میهن پرست را بعهده گرفته اند. اینان حزب ما را متهم میکنند به اینکه گویا از مواضع انقلابی عدول کرده است، با طرح مسئله لزوم آزادی حزب توده ایران راه تسلیم طلبی در پیش گرفته است، مبلغ راه پارلماناریسم است و با دادن شعار مبارزه در راه آزادیهای دموکراتیک مانع بسیج نیروها برای انقلاب است.

گو اینکه این اتهامات تازگی ندارد و بسیاری از استدلالهای مخالفان ما را خود زندگی رد کرده است با این حال شدت نوین این حملات یک بار دیگر این سؤال را پیش میآورد که اگر حزب ما دارای چنین خصائلی است و با این ترتیب در واقع خود را در مقابل هر دو طرف بی ضرر میکند پس چرا همانا حزب ما است که از همه جانب بشدت کوبیده میشود.

پاسخ به این سؤال روشن است. هم ارتجاع ایران و هم مغرضان و چپ نمایان بخوبی میدانند که اگر نیرویی در مقابل آنها هست که یارای مبارزه دارد و زنده است حزب توده ایران است و با برجسب هائی از قبیل «منحله» و یا «تسلیم طلب»، «رویزیو- نیست» و نظائر آن نمیتوان آنرا از میدان مبارزه بدر برد.

دیروز بود که مخالفان سیاسی ما مدعی بودند که حزب توده ایران جز رهبری خود که در مهاجرت است چیزی ندارد، روزنامه هائی که بنام تشکیلات تهران منتشر میشود ساختهگی است و در خارج از کشور تهیه میشود. امروز همانها از سازمان حزب توده ایران در داخل کشور سخن میگویند، بمنظور اثبات اینکه گویا بین سازمان ایران و رهبری حزب در ارزیابیهای سیاسی اختلاف نظر وجود دارد و دیری نخواهد گذشت که کار به انشعاب خواهد کشید. از «ضمیمه مردم» عکس برداری میکنند و با شتابزدگی هر چه تا متمرکز آمدگی خود را برای تشکیل جبهه واحد با سازمان حزب توده ایران در داخل کشور اعلام میدارند، غافل از اینکه این نوع قضاوتها خواستها را بجای واقعیت گذاشتن است.

آنچه مخالفان ما را به اشتباه انداخته و می اندازد عدم درک ماهیت واقعی حزب ما است. حزب ما بمثابه حزب طبقه کارگر، بمثابه حزب مبارکستی و لنینیستی، بعنوان یک حزب جدی اگر دردی داشت با اعضاء خود و در صورت لزوم با مردم خود بمیان میگذازد، اگر اشتباهی داشت از اعتراف به آن خود داری ندارد و اگر هشدار لازم بود بموقع خود میدهد و هراسی از سوء استفاده های مخالفان خود ندارد زیرا در مقابل اعضاء خود، در مقابل مردم زحمتکش ایران خود را مسئول میداند.

بجای تکرار طوطی وار و بموقع شعارهای مافوق انقلابی، بجای اغفال و اتلاف بدون مسئولیت جان علاقمندان به انقلاب ایران

ما را عملاً از امکان مبارزه علنی محروم سازد تنها فراکسیون مجلس حزب توده ایران بود که خواستها و اعتراضات نیروهای دموکراتیک را از پشت تریبون مجلس مطرح مساخت و مردم ایران را بمبارزه دعوت مینمود. ولی شرکت در مجلس و استفاده از طرق ممکن مبارزه علنی به آن معنی نبود که حزب در موارد دیگر دست روی دست بگذارد و خود را کنار بکشد. برعکس، هنگامیکه در بخش مهمی از کشور - در آذربایجان و کردستان شرایط برای آغاز یک تعرض جدی متقابل علیه ارتجاع مهیا بود و مردم آن سامان دست به قیام مسلحانه زدند حزب توده ایران کوچکترین تردیدی در پشتیبانی همه جانبه از این قیام بخود راه نداد. سازمان ایالتی آذربایجان حزب توده ایران نیروی اساسی جنبش را تشکیل داد کادر های حزب توده ایران و افسران عضو حزب با مأموریت حزبی در این قیام شرکت و جانبازی کردند و تا چوبه دار از عقائد خود دفاع نمودند.

آنچه بموقع خود از طرف حزب ما طرح و برای تحقق آن اقدام شد، اصلاحات نمونه ای که پس از کامیابی جنبش آذربایجان در مدت کوتاهی انجام گردید آنچنان ریشه های عمیق باقی گذارد که رژیم کودتا پس از آنکه سالیانی کوشید تا خواستهای مطرح شده را مسکوت بگذارد بالاخره مجبور شد گامهایی بعقب بردارد تا در مقابل انفجار افکار عمومی قرار نگیرد.

بدین طریق نظری بیغرضانه به تاریخ حزب توده ایران بخوبی نشان میدهد که حزب ما با تلفیق راه های گوناگون مبارزه انقلابی، انتخاب شعارها و راههای مناسب، از تشکیل سندیکاها و وسیع کارگری و اتحادیه های مبارزه دهقانی و شرکت در مجلس ارتجاعی بمنظور تبلیغ نظریات خود گرفته و تا پشتیبانی از قیامهای مسلح مردم آذربایجان و کردستان، وظیفه تاریخی انقلابی خود را انجام داده است.

حزب توده ایران نشان داده است و همیشه گفته و میگوید که بمثابه حزب طبقه کارگر، بمثابه حزب لنینی هیچیک از طرق مبارزه را تحریم و یا تکفیر نکرده و در عین حال هیچیک از آنها را هم مطلق ننموده است و معتقد است که حزب طبقه کارگر باید آماده انتخاب راهی باشد که جنبش رهائی بخش کشور ما را به هدف نزدیکتر میکند و یا به هدف میرساند. آنجا که شرایط عینی ذهنی قیام مسلح فراهم باشد تردیدی در پیشگام شدن نخواهد داشت؛ و آنجا که شرایط عینی بوجود نیامده و باحتی با وجود شرایط عینی عامل ذهنی قدرت لازم را نداشته باشد، بدون واهمه از تهمت واقفانه راههای مشخص دیگری را برای نزدیک شدن بمقصود، بمنظور تضعیف هر چه بیشتر ارتجاع، پس راندن رژیم و باز کردن جای پا برای پیشروی نیروهای مترقی و انقلابی انتخاب خواهد کرد - این است روش انقلابی بمعنای واقعی این کلمه.

طبق تحلیل حزب ما در مرحله کنونی و با شرایط موجود راهی که میتواند ما را بمقصود نزدیکتر کند عبارت است از مبارزه یگیر و جای برای بدست آوردن هر چه

بیشتر آزادیهای دموکراتیک، آزادیهای که مورد علاقه همه قشر های مترقی از کارگران و دهقانان گرفته تا بورژوازی ملی است و میتواند زمینه وحدت عمل نیروهای اپوزیسیون باشد.

مطالبه (نه تقاضای) آزادی همه سازمانهای اپوزیسیون ملی و دموکراتیک از آنجمله حزب توده ایران که بموجب تخطئه عدهای چپ نما «انقلابی» در گفتار شده است نیز ناشی از همین خواست آزادیهای دموکراتیک است. این بار خود رژیم است که نخست از زبان شخص شاه و سپس یکی پس از دیگری از جانب سخنگویان رژیم در جهت اثبات غیر قانونی بودن فعالیت حزب توده ایران موضوع را مطرح ساخته است.

رژیم ارتجاعی و ضد دموکراتیک ایران میگوید: حزب توده ایران غیر قانونی است. حزب توده ایران میگوید: نه! هیچ قانونی هیچ مقام صلاحیتدار قانونی فعالیت آنرا منع نکرده است. قانون خرداد ۱۳۱۰ قانونی است تحمیلی مخالف با قانون اساسی و اصول مشروطیت ایران.

حزب توده ایران از موضع انقلابی خود، از موضع افشاء خود سری ها و قانون شکنی های دستگاه ارتجاع است که یکبار دیگر حق مشروع خود را میطلبید.

مبارزه برای آزادی حزب توده ایران - مبارزه برای لغو قانون سیاه خرداد ۱۳۱۰ است. در صورت الغاء این قانون است که حزب توده ایران میتواند آزادی فعالیت بدست آورد.

در عین حال لغو قانون خرداد ۱۳۱۰ بمعنای برداشته شدن شمشیر دامو کس از سر تمام نیرو های مترقی است. وجود این قانون و تطبیق دلخواه این قانون سیاه است که به لحام گسیختگی های دادستان ارتش و یا سازمان امنیت میدان میدهد.

پریروز حزب کمونیست ایران طبق این قانون در معرض پیدگردد قرار گرفت، دیروز حزب توده ایران به استناد همین قانون «منحله» اعلام شد، امروز نه تنها هر مخالف سیاسی رژیم بلکه سازمانهای صنفی نامطلوب برای رژیم هم مشمول آن میشوند.

پس بحق مبارزه برای لغو این قانون امروز میتواند یکی از شعارهای آن مبارزه های قرار گیرد که در راه نیل به آزادیهای دموکراتیک انجام میشود.

در راه مبارزه برای آزادیهای دموکراتیک و از آنجمله برای مبارزه در راه الغاء قانون سیاه خرداد ۱۳۱۰ باید کلیه نیروهای مترقی، افراد و گروه های با حسن نیت در یک جبهه متحد شوند.

اینست روش واقعاً انقلابی در شرایط مشخص کنونی مبارزه که وجه تشابهی با لغاظی های توخالی و بی پشتوانه انقلابی ندارد. برای این مبارزه مشترک حزب توده ایران مانند همیشه همه امکانات خود را در دسترس نیرو های مترقی میگذازد.

## بحران جهانی نفت

(نظر به وقایع دو سال اخیر)

در سال ۱۹۷۰

— در سوم مه از کار کرد لوله نفتی که ۲۵ میلیون تن نفت عربستان سعودی را به مدیترانه منتقل میساخته است در سوریه جلوی گیری بعمل آمد.

— در ۲۱ ژوئیه الجزیره بشکل يك جانبه ای بهای اعلان شده را از ۲۰۸ به ۲۸۵ دلار در چلیک رساند. این امر روابط بحران آمیزی را بین الجزیره و فرانسه پدید آورد. (ولی بعد ها این اقدام از مبداء اول ژانویه ۱۹۶۹ معلق ماند).

— در ۴ سپتامبر لیبی شرکت «امریکن اکسیاندا نتال» را واداشت بهای اعلان شده نفت را از ۲۲۵ به ۲۵۰ دلار در هر چلیک (یعنی ۱۴ درصد) و میزان مالیات را از ۵۰ به ۵۵ درصد برساند. در نتیجه بهای اعلان شده نفت از ۲۲۸ به ۲۴۶ دلار رسید. شرکت های بین المللی این جریان را در لیبی و نیجریه مورد توجه قرار دادند.

— در اکتبر ۱۹۷۰ «ایران پترولیوم کمپنی» از مبداء اول سپتامبر بهای نفت عراق در مدیترانه را بیزان ۲۰ سنت و بهای نفت در خلیج را بیزان ۷ سنت افزایش داد.

— در ۱۴ نوامبر ۱۹۷۰ در ایران کنسرسیوم بهای نفت سنگین را بیزان ۹ سنت افزایش داد و مالیات را از ۵۰ به ۵۵ درصد رساند. همین اقدام در کویت انجام گرفت. عراق بلافاصله خواستار همین امتیازات شد.

— در ۱۲ دسامبر ۱۹۷۰ در بیست و یکمین کنفرانس کاراکاس سازمان کشور های صادر کننده نفت (اوپک) یازده قطعنامه تصویب کردند که یکی از آنها (قطعنامه ۱۲۰) تمیم میزان ۵۰ درصد مالیات و بهای صدور به بالاترین سطح معمول و بالا بردن عمومی خود این بها را خواستار است. شش کشور خلیج فارس يك مهلت ۳۱ روزه به شرکت های نفتی دادند که این خواستها را برآورده کنند.

در سال ۱۹۷۱

— در دوم ژانویه لیبی از دو شرکت نفتی مطالبه که قیمت اعلان شده از ۲۵۰ به ۳۲۴ دلار در چلیک برسد و مالیات نفت به ۶۳ درصد بالغ شود و ۲۵ سنت سود در هر چلیک را برای سرمایه گذاری در محل بکار برند.

— ۱۰ ژانویه الجزیره قسمتی از تحویل های نفت به «اراب» را مانع میشود.

— ۱۳ ژانویه کنسرسیوم مذاکرات خود را با کمیته مرکب از سه وزیر کشور های خلیج فارس که باصطلاح بمنظور «زمینه سنجی» بعمل آمده بود قطع میکند.

— ۱۹ ژانویه مذاکرات کشورهای عضو خلیج با کارتل بین المللی نفت آغاز میگردد. این کشور ها مایل نیستند تعهدی دنباله در صفحه ۵

دنباله از صفحه ۱

علیه هجوم آدمکشان امپریالیست

به لائوس

امریکائی مرتباً نیرو های مهاجم را در خاک لائوس پیاده میکنند بلکه گردانهای امریکائی نیز مستقیماً بظاک این کشور هجوم نموده اند.

هجوم بلائوس یکی دیگر از مظاهر «آمین گوم» است که طبق آن نیکسون گمان میکند میتواند بر نقشه های اسارت آور امپریالیسم امریکا با دلار های امریکائی و وسائل جنگی از راه تحریک آسیائیهای بجزنگ با آسیائیهای دیگر جرمه عمل پوشد. ولی وقایع هندوچین و مقاومت قهرمانانه مردم کشورهای این منطقه ضعف و شکنندگی این قبیل نقشه ها را بوضوح نشان داده است و محققاً این کوشش نیز مانند ویتنام و کامبوج با ناکامی مواجه خواهد شد.

هجوم بکشور بیطرف لائوس که با دستور نیکسون، تحت فرمان ژنرال آبرامسن با همکاری دولت دست نشانده سایگون و نیرو های ارتش امریکا انجام گرفته است از نو دامنه آتش جنگ را بنقطه دیگری از جهان سرایت میدهد و مرحله جدیدی از توسعه عملیات جنگی را در جنوب خاوری آسیا تشکیل میدهد.

از هم اکنون بیهانه اینکه گویا ارتش جمهوری دموکراتیک ویت نام به نیرو های آزادبخش کامبوج و لائوس کمک میرساند این جمهوری قهرمان نیز بمداخله نظامی تهدید میشود.

این وضع خطرناکی است که نه تنها دامنه ویرانگری، جنایات ضد انسانی، بی خانمانی و در ببری ملتها را بتمام خاک هندوچین سرایت میدهد بلکه در عین حال آزادی و استقلال کلیه ملتها و صلح جهانی را در معرض تهدید جدی میگذارد.

مردم آزاده و میهن پرست کشور ما که سالهای دراز فشار سیاست استعماری انگلستان و امریکارا بروی پوست و گوشت خود احساس نموده اند و هنوز از زیر بار عواقب اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن کبر راست نکرده اند نمیتوانند در برابر تجاوز استعمارگران امریکائی نسبت بکشور های کوچک و بیطرفی چون لائوس و کامبوج که گناهی جز دفاع از آزادی و استقلال خود ندارند سکوت اختیار کنند.

باید دست بدست مردم کشورهای دیگر داد و علیه این ستمگری و بیدادگری با تمام قوا برخاست. باید خشم و نفرت ملت ایران نسبت باین تجاوز جدید امپریالیسم امریکارا هر چه رساتر متظاهر گردد. باید صدای اعتراض مردم آزاده و زخم کش کشور ما بگوش جهانیان برسد. باید دست آدمکشان امریکائی را از قتل و غارت مردم بیگناه کوتاه ساخت. دولت ایران که خود مدعی بشیبانی از حقوق ملتهای دیگر و اجراء اصول منشور ملل متحد و قرار داد های بین المللی است نمیتواند و نباید در این مورد سکوت اختیار کند. باید از دولت خواست که هر چه زود تر موضع دولت ایران را در مورد تجاوز بکشور

دنباله از صفحه ۱

قرار داد سال ۱۹۲۱

شوروی بر رهبری لنین بزرگ همراه با مبارزات مردم ایران این نقشه اهریمنی را برای همیشه به گورستان تاریخ سپرد.

روز ۲۴ فوریه سال ۱۹۲۱ قرار داد ایران و شوروی در مسکو بامضا رسید. بموجب این قرار داد حکومت شوروی تمام قرار داد ها و امتیازات غارتگرانه و رژیم کاپیتولاسیون را که دولت تزاری روسیه به ایران تحمیل کرده بود ملغی اعلام کرد و کلیه وامهایی که دولت ایران در گذشته از روسیه تزاری دریافت کرده بود و نیز تمام تأسیسات و اموال منقول و غیر منقول متعلق بروسیه را بلاعوض بایران بخشید. جزیره آشوراده و جزائر دیگری که در دریای خزر در مجاورت نواحی استرآباد آذربایجان واقع بود بایران واگذار گردید و حق کشتیرانی ایران در دریای خزر که در دوران تزاریسم از ایران سلب شده بود مجدداً بر رسمیت شناخته شد.

دولت ایران بنوبه خود متعهد شد تأسیسات و امتیازات سابق تزاری را در اختیار هیچ دولت خارجی یا اتباع آنها نگذارد. بموجب قرار داد طرفین متعهد شدند به هیچ دولت ثالث اجازه ندهند با ورود نیرو های مسلح خود بظاک آنان برای مصونیت مرزها، منافع و امنیت طرف دیگر ایجاد خطر کند. دولت ایران متعهد شد بهیچ دولت خارجی اجازه ندهد خاک ایران را برای اعمال سیاست استیلا گرانه به پایگاه عملیات نظامی علیه حکومت شوروی بدل کند.

بموجب محاسباتی که انجام گرفته ارزش اموال منقول و غیر منقول و وامهایی که دولت شوروی به ایران بخشید تقریباً به ۶۰۰ میلیون روبل (طلا معادل ۲۵۰ میلیون تومان آذربایجان) بالغ میگردد. این مبلغ با توجه بمقیاسهای آذربایجان ایران که مثلاً بودجه های سالیانه اش از ۱۵ میلیون تومان تجاوز نمیکرد برای ایران اهمیت واقعاً حیاتی داشت.

بدینسان قرار داد سال ۱۹۲۱ هم از نظر سیاسی و هم از نظر اقتصادی در حفظ استقلال و حاکمیت ایران نقش عظیم ایفا کرد. محققین پیرو عقاید اجتماعی و سیاسی گوناگون و سخنگویان رسمی دولت ایران بارها این واقعیت را تصریح کرده اند.

اگر دولت های گذشته ایران بجای لجاج در تعقیب سیاست نابخردانه خصومت با اتحاد شوروی و ستمگری یکجانبه در سیاست خارجی، در تحکیم دوستی و همکاری با اتحاد

بیطرف لائوس و نقض مقررات عهد نامه ژنو اعلام داشته رسماً و علناً محکوم سازد. مردم ایران خواستار قطع هر گونه مداخله نظامی در لائوس و بیرون رفتن همه ارتشهای امریکائی و دست نشانده گان سایگون بی آن هستند.

مردم ایران هوادار حق ملتهای هندوچین در تعیین آزادانه سرنوشت خویشند.

هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران

شوروی میکوشیدند عقب ماندگی دیرین اقتصادی و فرهنگی و میراث استعمار در ایران سالها پیش بر افتاده بود.

سر انجام پس از مبارزات طولانی مردم ایران و ابتکار های سیاسی مؤثر اتحاد شوروی، از چند سال پیش در مناسبات میان ایران و اتحاد شوروی مرحله جدیدی آغاز گردید. مؤسسات صنعتی که با کمک های فنی و اعتبارات دولت در ایران احداث شده یا در دست ساختمان است برای تأمین پیشرفت ایران اهمیت عظیم دارد. احداث لوله سر تا سری گاز بطول ۱۲۰۰ کیلو متر و سالی ۱۰ میلیارد متر مکعب گاز، ساختمان نخستین کارخانه ذوب آهن، کارخانه ماشین سازی اراک، سد ارسو و تأسیسات برق آن، کمک اتحاد شوروی به تربیت کادر فنی ایران، اکتشاف معادن، برنامه هائی که برای توسعه همکاری ایران و شوروی در دوران ۱۵ سال آینده در دست تدوین است و غیره موجبات لازم را برای صنعتی کردن ایران و رهائی میهن ما از قید وابستگی بانحصارات امپریالیستی فراهم خواهد ساخت.

واقعیات دوران پنجاهساله ای که از انعقاد قرار داد سال ۱۹۲۱ میگردد نشان داده است که اتحاد شوروی همواره در حفظ مناسبات دوستانه و کمک به تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی ایران و مبارزه جدی و مؤثر در قبال سیاست غارتگرانه استعمار و امپریالیسم در ایران بیدگر بوده است.

پشتیبانی دائمی و مؤثر اتحاد شوروی از مبارزه طولانی مردم ایران علیه غارتگری های امپریالیستی و از آنجمله علیه انحصارات نفتی که اخیراً به کامیابی تازه ای در استیفای بخشی از حقوق حقه ایران انجامید گواه بارز این امر است.

عرضه مناسبات سیاسی و همکاری اقتصادی و فرهنگی ایران که در حیات لنین با عقد قرار داد سال ۱۹۲۱ ایران و شوروی شالوده ریزی شد، هنوز امکانات بالقوه فراوانی را در خود نهفته دارد که ضرورت رهائی کامل سیاسی و اقتصادی ایران از قید تسلط امپریالیسم، استفاده هر چه بیشتر از آنرا ایجاد میکند.

توسعه روز افزون این مناسبات خواست میهن و یکی از شعار های اساسی مبارزه بیرونی میهن پرست و ترقیخواه ایران است.

## چاپ سوم آخرین دفاع

## خسرو روزبه

عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران در دادگاه نظامی (فروردین سال ۱۳۳۷) منتشر شد

## قابل توجه خوانندگان گرامی

برای آنکه در دریافت نشریات توده هیچگونه وقفه ای رخ ندهد از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که تغییر آدرس خود را بموقع اطلاع دهند

دنباله از صفحه ۱

## نهمین گام پنجساله

در سراسر تاریخ جامعه بشری بیسابقه است و نباید این نکته را از خاطر دور داشت که این آهنگ سریع رشد علیرغم ویرانه‌ها و خسارات زمان دو جنگ جهانی و خرابیهای دوران جنگ داخلی تأمین شده است.

نهمین گام استوار اتحاد شوروی در شرایطی برداشته میشود که این کشور از لحاظ قدرت اقتصادی مقام دوم را در جهان اشغال میکند و در زمره پیشرفته ترین کشورهای صنعتی جهان است. اهمیت و عظمت این برنامه که امکانات و برتری مسلم نظام اجتماعی نوین را منعکس میسازد، در همین است.

ارتقاء سطح زندگی مادی و معنوی مردم شوروی بر پایه آهنگ سریع رشد اقتصادی، بالا بردن میزان اثر بخشی تولید اجتماعی، تأمین پیشرفت علم و تکنیک و تسریع افزایش بازده کار - وظیفه عمده این برنامه را تشکیل میدهد.

در پنج سال آینده در آمد ملی، که جامعترین شاخص رشد اقتصادی است سالانه بطور متوسط ۷- ۶ درصد افزایش خواهد یافت. با تأمین این آهنگ رشد به قدرت اقتصادی اتحاد شوروی در پایان برنامه در حدود ۴۰ درصد افزوده خواهد شد. ضمناً صنایع اتحاد شوروی که تأمین کننده قدرت تکنیکی کشور بوده و برای بالا بردن سطح زندگی مردم و تحکیم قدرت دفاعی کشور شرایط مادی فراهم میآورد، با آهنگی سریعتر (۷۹٪ - ۷۳٪ درصد در سال) رشد خواهد نمود.

در برنامه پنجساله آتی به جنبه‌های کیفی رشد اقتصادی توجه خاصی میندول خواهد شد و در جهت مدرنیزه کردن و بهبود کیفیت تمام عوامل مؤثر در اثر بخشی تولید یعنی منابع نیرو، ابزار کار، مواد خام و اولیه و پروسه‌های تکنولوژیک اقدامات وسیعتری بعمل خواهد آمد. چنانکه تولید نیروی برق ۴۰ درصد افزایش یافته و دست کم به یک تریلیون و سی میلیارد کیلووات ساعت در سال بالغ خواهد شد؛ ترکیب سوخت بسود رشته‌های نفت و گاز تغییر خواهد کرد و سهم این دو منبع نیرو به ۶۸ درصد خواهد رسید؛ میزان تولید مواد مصنوعی و سنتتیک و انواع جدید آلیاژهای فلزات، بویژه آلیاژهای فولاد که پیشرفت تکنیک معاصر بدون ایجاد تنوع وسیع در آنها میسر نیست، افزوده خواهد شد؛ ماشینهای تمام خودکار و تکنیک مدرن مجهز به دستگاههای الکترونیک با وسعت بیشتری در تولید بکار خواهد رفت (مثلاً تولید ماشینهای تراش مجهز به دستگاه تنظیم الکترونیک ۳۵ برابر و تولید دستگاههای شمارگر الکترونیک اقلاً ۲۶ برابر خواهد شد)؛ در نحوه تولید رشته‌های معین از طریق بکار بستن پروسه‌های تکنولوژیک کاملاً مدرن تغییر جدی داده خواهد شد و سرانجام در تناسب میان رشته‌های صنعتی موافق نیازمندیهای اقتصادی و اجتماعی کشور و بر حسب

مقتضیات انقلاب علمی و فنی بتدریج تحولات لازم بوجود خواهد آمد. تمام این اقدامات به رشد عمقی و بالا بردن اثربخشی تولید اجتماعی که خط مشی اساسی حزب و دولت در رشد آتی کشور است، بمیزان زیاد خواهد افزود. پیش بینی افزایش سریع بازده کار در تمام رشته‌های تولیدی نمودار رشد عمقی و اثربخشی تولید در پنجسال آینده است. هشتاد درصد افزایش در آمد ملی و تا ۹۰ درصد افزایش محصولات صنعتی از راه افزایش بازده کار تأمین خواهد شد. لنین گفته است که بازده کار «مهمترین و عمده ترین عامل پیروزی نظام اجتماعی نوین است». در بیست سال اخیر آهنگ رشد بازده کار در صنایع شوروی ۱٫۵ برابر افزایش بازده کار صنایع ایالات متحد آمریکا بود. در سطح کنونی رشد اقتصادی اتحاد شوروی افزایش بازده کار تولید اجتماعی بمیزان ۱ در صد بمعنای تولید بیش از ۳۵ میلیارد روبل (۳۹ میلیارد دلار) محصول اضافی است و این بیش از نیمی از مجموع در آمد ملی سالانه ایران است! هدف غائی رشد اقتصادی در شرایط سوسیالیسم تأمین هر چه بیشتر نیازمندیهای مادی و معنوی تمام زحمتکشان متناسب با امکانات مادی هر مرحله از رشد اقتصادی است. تاکنون تمام برنامه‌های دراز مدت اتحاد شوروی بر پایه آهنگ سریعتر رشد وسائل تولید تنظیم و اجراء میگردد. فقط در چند سال اخیر آهنگ رشد وسائل مصرف بیشتر از آهنگ رشد وسائل تولید بود. ولی اینک برای نخستین بار در برنامه‌های دراز مدت اتحاد شوروی افزایش سریعتر تولید وسائل مصرف در قیاس با تولید وسائل تولید پیش بینی میشود (به ترتیب ۴۸٪ - ۴۴٪ در صد و ۴۵٪ - ۴۱٪ در صد). و این امر فقط پس از رشد نیرومند تمام اقتصاد ملی میسر بود. در نتیجه اجرای این برنامه به در آمد سرانه در کشور ۳۰ درصد افزوده خواهد شد. ضمناً برای ایجاد هماهنگی میان در آمد زحمتکشان کلخوزی و کارگران و کارمندان مؤسسات دولتی در آمد کلخوزیان سریعتر از دستمزد کارگران و کارمندان افزایش خواهد یافت (به ترتیب ۳۵٪ - ۳۰٪ درصد و ۲۲٪ - ۲۰٪ درصد). همچنین برای توسعه بیشتر خدمات اجتماعی از قبیل بهداشت و آموزش و غیره اعتبارات صندوق اجتماعی ۴۰ درصد افزایش خواهد یافت.

از جمله اقدامات بسیار مهمی که طی برنامه پنجساله باید انجام گیرد، بهبود بیشتر شیوه‌های رهبری تولید و کیفیت برنامه‌ریزی است. در این زمینه، تحولاتی که از چند سال پیش آغاز شده بود، در سطح بالاتری ادامه خواهد یافت. در جریان اجرای این برنامه سیستم نوین رهبری و برنامه‌ریزی به تمام رشته‌ها تعمیم داده خواهد شد. انگیزه اقتصادی همچنان عامل عمده پیشرفت کار مؤسسات خواهد بود و همراه با انگیزه‌های معنوی به رشد همه جانبه اقتصاد کمک خواهد کرد. مبانی علمی برنامه‌ریزی تقویت خواهد شد و در کار تنظیم برنامه‌ها و رهبری تولید بیش از پیش از ماشینهای شمارگر الکترو-

دنباله از صفحه ۱

## فرخنده باد جشن اول مه

را ولو بصورت مخفی بر گزار کردند و برای حفظ این سنت بزرگ انقلابی بمبارزه ادامه دادند. اینک کارگران ایران توفیق یافته‌اند که رسمیت قانونی جشن اول ماه مه را مجدداً احیاء نمایند.

مبارزه علیه دخالت پلیس و سازمان امنیت در امور سندیکائی، برای بر خور داری از حقوق و آزادیهای مصرح در قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر ادامه دارد. در کشور ماهنوز از حقوق و آزادیهای سندیکائی اثری نیست و حتی آن مواد معدود قانون کار که باین حقوق اشاره میکند در اثر دخالت سازمان امنیت در امور سندیکائی اجراء نمیشود. علیرغم خواست کارگران اتحادیه‌های حرفه‌ای، فدراسیونها و کنفدراسیون کشوری که مطابق قانون کار میتواند تشکیل شود وجود ندارد. قانون ناقص کار شامل اکثریت زحمتکشان نمیگردد. تا وقتیکه کارگران نتوانند آزادانه سندیکاها و اتحادیه‌های خود را تشکیل دهند، تا سندیکاها نتوانند آزادانه وظایفی را که طبق اساسنامه خود بر عهده دارند انجام دهند و درباره کلیه مسائل مربوط بکار و زندگی زحمتکشان تصمیم گرفته‌عمل نمایند ادعای وجود آزادی سندیکائی ادعای بوجی بیش نیست.

در زمینه همین ادعاها رژیم برای اغوا کارگران مسئله «شریک کردن» کارگران در سود کارخانه‌ها را مدتی است بمیان کشیده ولی واقعیات و اعتراضات خود سخنگو- بیان رژیم نشان میدهد که در پس این شعار اغوا گرانه محتوی جدی وجود ندارد. زندگی کارگران ایران دشوار و در مقایسه با اکثر کشورهای جهان در سطح بسیار نازلی قرار دارد. موافق آمارهای وزارت

نیک استفاده خواهد شد. در تنظیم برنامه‌ها مسائل اجتماعی و اقتصادی با عمق بیشتری مورد بررسی قرار خواهد گرفت و هماهنگی بیشتر و علمی تری میان رشته‌های مختلف تولیدی بوجود خواهد آمد. تدابیری که در جهت بهبود شیوه رهبری تولید و کیفیت برنامه‌ریزی و نظارت بر اجرای این برنامه‌ها بعمل میآید، نارسائی‌های موجود در این زمینه‌ها را بتدریج بر طرف خواهد ساخت و به تأثیر عواملی که گاه مانع اجرای برنامه‌های پیش بینی شده در بخشها و رشته‌های جداگانه میگردد، پایان خواهد داد.

هر سالی که از اجرای برنامه‌های اقتصادی اتحاد شوروی میگذرد، در جهت تأمین رفاه توده‌ها، تحکیم قدرت دفاعی اردوگاه سوسیالیستی گام تازه‌ای برداشته میشود و برای پیروزی نهائی در مسابقه اقتصادی میان دو سیستم متضاد جهان امکان بیشتری فراهم میآید. در طرح برنامه پنجساله گفته میشود: «برنامه پنجساله نهم مرحله مهمی در پیشرفت بسوی کمونیسم، ایجاد پایه‌های مادی و فنی آن و تقویت بنیه اقتصادی و قدرت دفاعی کشور خواهد بود.»

مسعود

کار، کارگران بخش دولتی در مقابل ۵۴ ساعت کار هفتگی بطور متوسط ۱۸۵ ریال دستمزد میگیرند و کارگران بخش خصوصی در مقابل ۶۴ ساعت کار هفتگی بطور متوسط فقط ۷۷۶ ریال مزد دریافت میدارند. مقایسه این دستمزد های نازل با هزینه روز افزون زندگی برای نشان دادن سختی معیشت توده زحمتکش کافیست.

بر خلاف نص صریح قانون کار که بکارگزاران اطفال کمتر از دوازده سال راحتی بعنوان کار آموزی منع میکند بهره کشی بیرحمانه از دسترنج کودکان بطور وسیع ادامه دارد. ۲۰ درصد کارگران باندگی از آنجمله قالی بافی را کودکان ۶ تا ۱۲ ساله تشکیل میدهند. در مورد زنان نیز اصل مزد مساوی در مقابل کار مساوی و مقررات مربوط بزنان بار دار و مادران اجراء نمیشود.

تنها بخش کوچکی از کارگران از مرخصی‌های هفتگی و سالیانه با استفاده از حقوق بر خور دارند و مشمول قانون بیمه هستند. اکثریت مطلق کارگران این حقوق محرومند. بدین سبب اجرای کامل قوانین کار و بیمه و اصلاح آنها، افزایش دستمزد، تقییل ساعات کار از جمله خواسته‌های مبرم همه زحمتکشان ایرانست.

مبارزه زحمتکشان برای بهبود شرایط کار و زندگی از مبارزه برای تأمین استقلال واقعی میهن ما ایران جدا نیست. در این مبارزه همه نیرو های ضد امپریالیست، قشر های وسیع روشنفکران و کارمندان دولت، خرده بورژوازی و بورژوازی ملی شرکت دارند. طبقه کارگر ایران که در اثر رشد سریع کمی و کیفی خود در حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی میهن نقش و مسئولیت روز افزونی دارد در عین حال که از منافع طبقاتی خویش دفاع میکند برای تأمین اتحاد کلیه نیروهای ملی و دمکراتیک در جهت واحدی علیه ارتجاع و امپریالیسم بیکار میزند. کارگران پیشرو با توجه باین وظیفه خطیر باید قشر های وسیع زحمتکشان را متشکل سازند و آنان را با روح انقلابی، عاری از سازشکاری و ماجراجویی بسوی هدفهای استقلال طلبانه و ترقیخواهانه سوق دهند. باید بکار در سندیکا های موجود و استفاده از این سندیکاها برای تأمین خواست های کارگران توجه جدی معطوف داشت. در عین حال تشکیل سازمانهای مستقل سندیکائی یکی از شرایط اساسی است تا بتوان بوسیله آنها بسود توده زحمتکشان و دفاع از منافع حیاتی آنان گام برداشت.

کارگران و زحمتکشان ایران جشن اول ماه مه را با شکوهی که در خور آنست بر گزار کنید و با طرح خواست های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خویش سنن انقلابی این روز تاریخی را حفظ کنید.

فروردین

دنباله از صفحه ۶

## در ماه گذشته . . .

انجلا دیویس در پاسخ سؤال مخبر روزنامه «محمد سپیکس» که از او پرسید چرا شما کمونیست هستید گفت:

من از آنجهت که نیست هستم که معتقدم اگر ما در جامعه آمریکا بعنوان انسانهای درجه دوم زندگی میکنیم ناشی از وجود سیستم سرمایه داری است. چنانکه ما بخواهیم فقر و ستم را از جامعه خود بزدایم و آماج سیاست نژادی نباشیم، باید سیستم سرمایه داری را از بین ببریم، سیستمی که در آن اقلیت ممتاز روز بروز ثروتمند تر میشود و سایر مردم و بویژه سیاه پوستان هیچ بهبود قابل توجهی در زندگیشان مشاهده نمیشود. من از آنجهت عضو حزب کمونیست آمریکا شدم که عقیده دارم فعالیت در حزب کمونیست یگانه راه سرنگونی طبقه سرمایه دار و ابزارهای گوناگون ستم طبقاتی آن است. ای حصول به این هدف ما باید با تمام نیروهای مترقی آمریکای سفید همکاری کنیم.

## قانون جدید کار در عراق

در عراق با آغاز سال مسیحی قانون کار جدیدی بمرحله اجرا درآمد. این قانون بعد از حل دموکراتیک و مسالمت آمیز مسئله کرد، قانون جدید رفهرم ارضی و قانونی تشکیل پارلمان را پیش بینی میکند یکی از مهمترین قوانین دولت حزب بعث است. مطابق قانون جدید، کار بمثابه حق و وظیفه افراد تلقی شده و هر گونه تبعیض نژادی، مذهبی و زبانی ممنوع شده است. دولت مؤکداً موظف شده که برای همه افراد به سن کار تأمین شغل کند. تمام مؤسسات موظف اند به کارگران و کارمندان خود کمک کنند تا رشته تخصصی خود را تکمیل نمایند. زنان کارگر بموجب قانون جدید از سه ماه استراحت دوران حاملگی و زایمان برخوردار خواهند شد و کار کودکان کمتر از ۱۴ سال ممنوع اعلام شده است.

## «شورای عالی خلق» در سوریه

در سوریه «شورای عالی خلق» مرکب از ۱۷۳ نماینده تشکیل شد. تشکیل شورای عالی خلق گام مهمی برای تحکیم حکومت دموکراتیک انقلابی است. این برای نخستین بار در تاریخ سوریه پس از استقلال است که یک مجمع خلقی در سطح بالا با شرکت کلیه احزاب، سازمانها، گروههای مترقی و مهمتر از همه سازمانهای توده ای تشکیل میشود. یکی از وظایف مهم شورای عالی خلق تصویب قانون اساسی جدید است که جانشین قانون اساسی موقت سال ۱۹۶۹ که تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور را بطور ناقص منعکس میکرد خواهد شد. سوریه در دوران اخیر روابط نزدیکتری با جمهوری متحده عرب و سایر اعضای قتراسیون

دنباله از صفحه ۱

## اعلامیه در باره نفت

خواستهای مشروع کشورهای تولید کننده نفت مذاکرات تهران را با شکست مواجه ساختند. ولی اتحاد و تصمیم قاطع کشورهای تولید کننده انحصارهای مزبور را وادار ساخت از نو بمذاکره پردازند و با افزایش قیمت ها تن دهند.

بنا بموافقتی که بین طرفین حاصل گردید قرار شد در مورد کشورهای ساحلی خلیج فارس بابت هر بشکه نفت خام ۳۵ سنت بر قیمت اعلان شده اضافه شود و از مبدأ ماه ژوئن امسال تا مدت پنج سال نیز همه ساله ۵ سنت اضافی دیگر برحسب هر بشکه پرداخت گردد. از طرف دیگر طبق همین موافقتنامه وصول مالیات بر درآمد از شرکتهای نفتی از ۵۰ در صد به ۵۵ در صد ترقی میکند. طبق برآورد رسمی دولت ایران اضافه درآمدی که از این موافقت تا پایان سال جاری (اسفند ماه ۱۳۴۹) برای کشور ما حاصل میشود برابر با ۸۰ میلیون دلار است و اضافه درآمد مزبور در عرض مدت ۵ سال آینده جمعاً به ۳ میلیارد و ششصد میلیون دلار بالغ خواهد شد.

بدیهی است حزب توده ایران که خواستار اجراء تمام و کمال قانون ملی شدن صنایع نفت است و آنرا یکی از حلقه های اساسی مبارزه ضد امپریالیستی مردم ایران و وسیله نیرومندی برای تحکیم استقلال و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشور میشمارد نمیتواند با ضمانت هایی که در این موافقتنامه بشرکت های نفتی داده شده و بهره کشی آنها را در چهار چوب مقررات این توافق لاقبل برای ۵ سال تضمین کرده است موافقت داشته باشد ولی از آنجا که توافق اخیر نتیجه مبارزه مشترک کشورهای تولید کننده نفت علیه انحصارات امپریالیستی است و از سوی دیگر موجب افزایش درآمد کشور ما میشود و از اینراه بخشی از بهره های غارتگرانه ای که انحصارهای امپریالیستی از ذخائر طبیعی و کار و کوشش کارگران کشور ما بدست میآورند مسترد میگردد آنرا گامی به پیش در جهت استیفای حقوق مشروع مردم ایران

چهارگانه برقرار کرده است. و این مناسبات برای جبهه ضد امپریالیستی خاورمیانه که جمهوری متحده عرب و سوریه نقش ویژه ای در آن دارند حائز اهمیت است.

## مصادره املاک در شیلی

دولت وحدت خلقی شیلی دست با اقدامات تازه ای برای تحول اجتماعی و اقتصادی کشورزده است. در آستانه سال نو در سانتیاگو پایتخت شیلی ۳ واحد کشاورزی خصوصی بایش از ۷۰۰ هکتار مساحت مصادره شدند. قبلاً ۶۲ واحد کشاورزی مصادره شده بودند. وزیر کشاورزی شیلی اعلام نمود که تمام املاک شخصی که بیش از ۸۰ هکتار زمین آبی داشته باشند مصادره خواهند شد. در این املاک کثویرا، تیوهای دهقانی و واحدهای کشاورزی دولتی بوجود خواهند آمد.

تلقی میکنند.

طرح خواستهای مشخص علیه انحصارهای بزرگ نفتی از طرف دولتهای تولید کننده نفت عضو اوپک انعکاسی از مبارزه حق طلبانه مردم این کشور هاست و کامیابی آن نشان میدهد که مبارزه مردم این کشورها علیه انحصارهای امپریالیستی وارد مرحله نویی شده است. این مبارزه اکنون در شرایط مساعدی انجام میگردد. تناسب نیروها در عرصه بین المللی بطور روز افزونی بسود نیروهای سوسیالیستی و بزبان امپریالیسم تغییر میکند. دوران سلطه بلا منازع انحصارهای امپریالیستی دورانی که این انحصارات اراده خود را بر ملل اسیر تحمیل میکردند سپری شده و دورانی فرا رسیده است که همه ملتها میتوانند باتکاء پشتیبانی نیروهای عظیم ضد امپریالیستی جهان آزادی کامل خود را از قید اشکال مختلف استعمار بچنگ آورند. تصمیمات و اقدامات متحد کشورهای تولید کننده در برابر کارتل بین المللی نفت، این اتحادیه جهانخواران نفتی، خود یکی از مظاهر امکانات مساعدی است که در دوران ما بوجود آمده و بر قدرت مقابله ملتها در برابر امپریالیسم افزوده است.

دولت ایران نیز میتواند و باید با اتکاء بشریط مساعد بین المللی و امکانات عینی و فنی داخلی یا را از این مرحله فراتر نهاده در راه استرداد حقوق تمام و کمال ملت ایران بطور قاطع گام بردارد و منابع زرخیز زیر زمینی میهن ما را از چنگ کمنرسیوم غارتگران بین المللی بیرون آورد.

هر دولتی که بطور قاطع در این راه قدم بردارد مسلماً از پشتیبانی عموم مردم ایران برخوردار خواهد بود. پشتیبانی عمومی در صورتی با نیرومندی و قاطعیت لازم متظاهر میگردد که توده های وسیع مردم امکان یابند تمایلات ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه خود را صریح تر ابراز نمایند. استقلال، آزادی و ترقی واقعی کشور ما تنها با ریشه کن ساختن تسلط انحصارهای امپریالیستی و اتخاذ یک سیاست اصیل ملی و دموکراتیک تحقق پذیر است و هیچ ایرانی میهن پرستی نیست که از چنین سیاستی جداً هواداری نکند.

منابع و صنایع نفت از آن مردم ایران است و باید مستقلاً بدست مردم ما بهره برداری و اداره شود و منافع عظیمی که از این مر بدست میاید در جهت مصالح واقعی پیشرفت و آبادانی کشور و ارتقاء سطح زندگی توده های زحمتکش میهن ما مورد استفاده قرار گیرد.

حزب توده ایران از همه میهن پرستان و آزادیخواهان ایران، از همه نیروهای ترقیخواه و قبل از همه طبقه کارگر ایران و بویژه از کارگران صنایع نفت ایران دعوت میکند که مبارزه متحد خود را علیه انحصارهای امپریالیستی نفت برای استیفای حقوق مردم ایران و اجراء قانون ملی شدن صنایع نفت سازمان داده تشدید کنند و در مرحله کنونی با استفاده از تمام امکانات و اشکال مبارزه هر گونه اقدام جنسی و قاطع علیه انحصارهای امپریالیستی بویژه کمنرسیوم

دنباله از صفحه ۳

## بحران جهانی نفت

جز در مورد خودشان بیدرند. — ۲۴ ژانویه شاه ایران اعلام داشت که اگر شرکتهای نفتی خواستهای کشور های تولید کننده نفت در خلیج را نپذیرند، دست با اقدامات قاطع زده خواهد شد.

— ۲۶ ژانویه فرانسه از طریق شرکت نفتی فرانسه ۶۷۵ میلیون فرانک بعنوان مالیات عقب افتاده بحساب دولت الجزیره واریز میکند.

— ۲۹ ژانویه اوله نفت دوباره باز میشود. — ۳۱ ژانویه تلاش کارتل برای مذاکرات موازی با لیبی بناکامی می انجامد. — ۳ فوریه، جلسه فوق العاده اوپک، شاه در مقابل مجلس و نمایندگان اوپک به کارتل اعلام داشت که باید شرایط کشورهای های خلیج را بپذیرند.

— ۸ فوریه انتشار قطعنامه جدید اوپک که در آن مهلت توسل با اقدام مجدانه و شرایط حمایت از خواستهای لیبی و الجزیره ذکر شده است.

— ۹ فوریه نمایندگان کارتل در پاریس به وزیر دارائی ایران گفتند که «در اصول» با «شرایط حد اقل» کشورهای خلیج موافقت.

— ۱۲ فوریه تجدید مذاکرات رسمی با کارتل در تهران.

— ۱۳ فوریه اعلام يك توافق درباره جهات مالی اختلاف.

— ۱۴ فوریه يك توافق جمعی در ساعت ۱۵ با مصافحه رسید.

(ترجمه از منابع خارجی)

دنباله از صفحه ۱

## بمناسبت نوروز و سال نو

ترین تجاوز کار جهان یعنی آمریکا در لهیب آن میسوزد.

ما ایمان راسخ داریم که شعله های خشم و کینه خلقهای ما هیچگاه خاموش نخواهد شد و کوشیم تا این شعله ها را فروزان تر کنیم و با تیز کردن آتش نبرد علیه استعمار و استبداد و استثمار روز پیروزی را نزدیکتر نماییم.

ما درود های گرم خود را در آغاز سال نو برفقانی که در گوشه زندانها دوراز خانه و خانواده این روزها را میگذرانند، تمام زندانیان سیاسی و تمام مردم زحمتکش میهنمان تقدیم میکنیم و عهد و پیمان خود را برای ادامه مبارزه در سال تازه تجدید مینماییم.

۱. گویا

بین المللی نفت را مورد پشتیبانی قرار دهند. نبرد در این راه نه تنها حق بلکه وظیفه هر ایرانی میهن پرست و ترقیخواه است. در این مبارزه طبقه کارگر و سایر طبقات و قشر های ضد امپریالیستی کشور ما علاوه بر نیروی اتحاد خویش از همبستگی کارگران نفت و مردم کشورهای تولید کننده، از پشتیبانی جنبش کارگری بین المللی و نهضت ضد امپریالیستی سراسر جهان برخوردارند. اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی ضامن پیروزی در این نبرد است.

## هشتم مارس روز همبستگی، روز مبارزه زنان

سال ۱۹۱۰ کنفرانس جهانی زنان سوسیالیست به پیشنهاد کلارا ستکین، بارز برجسته جنبش جهانی کارگری و نهضت آزادی زنان، روز هشتم مارس را روز همبستگی و مبارزه برای حقوق زنان شناخت. از آن هنگام بعد، زنان مترقی و مبارز جهان هشتم مارس را بعنوان روز همبستگی، مبارزه و روز اعلام خواسته‌های خود بر گزار میکنند. روشن است که طی این دوران دگرگونی‌های شگرفی دروضع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زنان جهان رخ داده است. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر، گرد خواری و حرمان قرون را از سیمای زن شوروی زدود و به وی در صحنه اجتماع و کانون خانواده مقام و منزلتی همانند مرد هدیه نمود. انقلاب اکبر نه تنها منشاء تحول عظیم در زندگی زن شوروی شد، بلکه تحت تأثیر آن نهضت آزادی زنان اوج گرفت و زنان بسیاری از کشورهای جهان موفق شدند پاره‌ای از حقوق پایمال خود را بدست آورند. امروزه فقط در کشورهایی که نظام عادلانه سوسیالیسم مستقر است زنان از حقوق برابر با مرد تمام و کمال برخوردارند، و در سایر کشورهای جهان حتی در پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه داری، زنان علیرغم حقوق صوری در زنجیر استثمار دوگانه خانواده و اجتماع اسیرند. مبارزات زنان آمریکا و انگلستان در چند سال اخیر برای احراز حقوق برابر با مرد که گاه‌نزد برخی سازمانها بویژه در آمریکا جنبه افراطی هم پیدا نموده است بروشنی نشان میدهد که سیستم سرمایه داری که استثمار انسان ذاتی آنست قادر نیست حقوق برابر زن و مرد را تأمین کند و این فقط سوسیالیسم، سیستم عادلانه فارغ از ستم و بهره کشی است که میتواند هرگونه تبعیض و نابرابری حقوق زن و مرد را از میان بردارد. بنا بر این با توجه باین نکته مهم که حتی در پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه داری هم برابری زن و مرد وجود ندارد، بی‌پایگی دعوی رژیم ایران که با شناخت صوری حق رأی برای زنان و ارجاع امر طلاق بدادگاه گویا حقوق برابر زن و مرد تأمین شده است روشن میشود. برابری حقوق زن و مرد بمعنای جدی و واقعی این کلمه یعنی استقلال اقتصادی زن و برابری زن و مرد در کلیه شئون اجتماعی و خاتمه دادن به آداب و رسوم قرون وسطایی ازدواج و زندگی خانوادگی.

در کشوری که از کل جمعیت شاغل آن فقط ۱۳٫۳ درصد زن هستند صحبت از تساوی حقوق زن و مرد به شوخی ممانند. این واقعیت تلخ نشان میدهد که زنان در اکثریت مطلق خود برده‌مرد و اسیر خانه‌اند و فقط عده ناچیزی به صحنه اجتماع راه یافته اند. در کشوری که زنان فاقد استقلال اقتصادی اند، بیش از ۸۲ درصد آنان امکان آموختن سواد نیافته‌اند، بدون اجازه شوهر حق مسافرت ندارند و پس از وقوع طلاق حق نگاهداری و تربیت اطفال از آنان سلب شده است، در کشوری که از جمعیت ۶-۷ میلیون نفری زنان در سن کار فقط ۱۲ وکیل دادگستری، ۸ کادر سیاسی وزارت امور خارجه و ۱۶ نفر شهردار و بخشدار زن هستند، حتی سخنی هم از تساوی حقوق زن و مرد نمیتواند در میان باشد. میلیونها زن روستائی صبح تا شام جان میکنند و بهره‌ای از زحمت جانفروسی خود ندارند. زنان کارگر و کارمند در برابر کار مساوی با مرد مزد مساوی دریافت نمیکند و از حق انتخاب شغل محرومند. از زنان کارمند حق ترفیع تا بالاترین مقامات اداری بموازات مردان عملاً سلب شده است. وجود چند زن در پستهای وزارت و معاونت و مدیریت کل فقط پرده ساتری است که می باید شکاف عمیقی را که در اجتماع بین زن و مرد وجود دارد پوشیده نگاهدارد.

حزب ما از آغاز پیدایش خود تساوی کامل حقوق زن و مرد را یکی از مهمترین مواد برنامه خود قرار داده، به تجهیز و تشکل زنان همت گماشت و آنانرا بمیدان مبارزه کشید. اگر هیئت حاکمه ناگزیر از شناختن حق رأی برای زنان و وارد کردن تغییراتی در قانون مدنی بسود زنان شد، ثمره فرعی مبارزاتی است که زنان ایران بخصوص در دوران ۱۲ سال قبل از کودتا به رهبری حزب توده ایران نمودند و بعلاوه وضع امروزی جهان و بویژه کامیابهای اجتماعی زنان در کشورهای سوسیالیستی و موفقیت های آنان در یکرشته از کشورهای نو استقلال بقاء وضع عقب مانده سابق را مجال میکرد. این عامل را نیز نباید نادیده گذارد که هم امیرالیسم و هم سرمایه داری ایران به بسط بازار داخلی ذیعلاقه اند و از این لحاظ مایل اند زن را تا حدودی در امور اجتماعی و اقتصادی شرکت دهند. شک نیست که شرط ضرور برای اجبار هیئت حاکمه به عقب نشینی بیشتر در این زمینه باز هم مبارزه و تشدید مبارزه است. در شرایطی که رژیم استبدادی امکان فعالیت را از احزاب واقعی و سازمانهای اصیل توده‌ای سلب نموده، در برابر زنان دو وظیفه فوری قرار دارد: مبارزه در راه دموکراتیزاسیون حیات کشور و در عین حال استفاده از سازمانهای موجود زنان برای طرح مطالبات خود. زنان آگاه وظیفه دارند در کنار سایر قشرها و طبقات مترقی بخواهند که قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر از

طرف رژیم رعایت شود و حقوق دموکراتیک مردم مراعات گردد. این مبارزه‌ای است در راه آزادی فعالیت سازمانهای اصیل زنان و در عین حال مبارزه برای رفع هرگونه تبعیض بین زن و مرد که هم در قانون اساسی و هم اعلامیه حقوق بشر صراحت دارد. اما تا این

مبارزه به ثمر برسد و شرایط لازم برای فعالیت سازمانهای اصیل زنان و اوج مجدد جنبش زنان فراهم شود، وظیفه آنست که از هر سازمانی که نام مدافع حقوق زن بر خود نهاده، صرف نظر از آنکه در رأس آن چه کسانی قرار داشته باشند، بعنوان مرکزی برای تجمع و تربیونی برای طرح خواسته‌های زنان استفاده شود. باین عذر که سازمانهای موجود زیر نظر دربار و محفلهای تشریفاتی هستند، نباید مبارزه را تعطیل نمود. شک نیست که از هر فرصتی برای تشکیل سازمانهای واقعی زنان باید استقبال کرد، ولی این امر مانع از آن نیست که وقتی چنین امکانی وجود ندارد در درون همین سازمانها به فعالیت پرداخت و مانع از آن شد آنگونه که رهبران درباری این سازمانها مایلند مبارزه زنان فروکش کند و یا در چارچوب امور خیریه و مبارزه با بیسوادی که امری فرعی و جنبی است محدود گردد. باید در درون این سازمانها با طرح عام ترین شعارها که بتواند قشرهای هر چه وسیع تری از زنان را بدور خود جمع کند، به تشکل زنان برای مبارزه کمک نمود. در شرایط کشور ما که زنان از نظر اقتصادی و اجتماعی کمبود فراوان دارند، شعارهای مبارزه آنقدر فراوان و متنوع و گوناگون است که یافتن تجهیز کننده ترین شعارها کار دشواری نیست.

اما این تجهیز کننده ترین شعار نباید الزماً همیشه در مقیاس کشور انتخاب شود که پیروزی آن غالباً دشوار تر است. میتوان با توجه به شرایط مشخص زنان را گرد عام ترین شعار در مقیاس یک کارخانه، یک وزارتخانه و یا یک محل تجهیز نمود. مثلاً در کادربک کارخانه، شعار تجهیز کننده در شرایط مشخص میتواند مزد مساوی زنان کارگر در برابر کار مساوی، استفاده از مرخصی قبل و بعد از زایمان بدون حذف دستمزد و یا ایجاد محل نگاهداری اطفال شیر خوار در جنب کارخانه باشد و یا در چارچوب یک وزارتخانه رفع تبعیض بین زن و مرد در اشغال پست های اداری. پیروزی چنین شعارهایی در مقیاس کوچک میتواند مشوق و الهام بخش زنان برای شرکت در مبارزات وسیع تر در مقیاس

سراسر کشور باشد مثلاً مبارزه برای اصلاح قانون حمایت خانواده بسود زنان و تغییر آن موادی از قانون مدنی که حق زنان را پایمال نموده است.

وظیفه زنان آگاه در این میانه دشوار است. آنها هستند که باید بدون انتظار ظهور دست غیبی، خود پیشگام شوند، همه ابتکار و تجربه خود را بکار گیرند و کاری کنند

## در ماه گذشته...

### انجلا دیویس در زندان سن رافائل

اخیراً «هنری وینستن» صدر حزب کمونیست آمریکا موفق شد دو بار در زندان بوسیله تلفن با «انجلا دیویس» صحبت کند. جریان این گفتگویی تلفنی را «هنری وینستن» چنین توصیف میکند:

در بزرگ آهنگی با صدای بلند بروی ما گشوده شد. من همراه عده ای دیگر وارد محوطه ای شدم که پر از اطافک پهنی بود که جدار شیشه ای ضخیمی آنها را از زندانیان جدا میکرد. از اینجا میبایست من تلفنی با انجلا صحبت کنم. انجلا بمن گفت که هر روز بیش از صد نامه دریافت میدارد و گاه تعداد نامه ها به ۴۰۰ هم میرسد. این نامه ها نه تنها از شهرهای مختلف آمریکا، بلکه از تمام کشورهای سوسیالیستی، آسیا، اروپا، آفریقا و آمریکای لاتین به او میرسد. من هرگز بیاد ندارم که یک زندانی سیاسی تا این اندازه از پشتیبانی مردم برخوردار باشد. بویژه تظاهرات همیشگی که در شهرهای جنوبی و از جمله در «بیرمنگام» با شرکت سفید پوستان و سیاه پوستان به پشتیبانی از انجلا انجام گرفت سخت وی را تحت تأثیر قرار داده بود.

قبل از آنکه من از انجلا خدا حافظی کنم صفحه اول کتاب خود را روی جدار شیشه ای قرار دادم تا بتواند خط مرا که کتاب را باو هدیه کرده بودم بخواند. این هدیه شخصی بخاطر علاقه و احترام عمیق من بسود، بمناسبت وفاداری او به مردم و به مارکسیسم - لنینیسم است. تا وقتی که بتوانم شخصاً این کتاب را که در باره فلسفه مارکسیستی است به او تقدیم کنم، بهمن قناعت میگردم.

در دومین گفتگویی تلفنی ما انجلا تعریف کرد که زندانش فوق العاده کیفی است. یکی از زندانیان در غذایش دم موش بوده و انجلا در فنجان قهوه اش سوسک دیده است. هنگام شب صدای جست و خیز موش خواب از چشم زندانیان میراید. انجلا در پایان صحبت خود افزود شما بوضع زندان بخوبی آشنائی دارید و خودبعلمت نبود که کپهای بهداشتی در زندان، بینائی خویش را از دست داده اید.

هنگامیکه زندان را ترک میگردم. آخرین کلام انجلا در گوشم صدا میگذرد: بایداری!

دنباله در صفحه ۵

که زنان در جریان یک مبارزه واقعی برای احراز حقوق خود قرار گیرند.

ما روز هشتم مارس، روز جهانی زنان را به زنان ایران صمیمانه تبریک میگوئیم و به فردای تابناک میهن خود و آینده روشن زنان ایرانی ایقان داریم.